

# معرفی حکیم‌الملک اردستانی و موقوفات ایشان

عفت خوشنودی<sup>۱</sup>

## چکیده:

وقف یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که در دین اسلام به انجام آن تأکید بسیار شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان رهبران و پیشوایان این دین مبین، به انجام آن اهتمام بسیار ورزیده‌اند و تمامی مسلمانان را هم به عمل کردن به این دستور الهی تشویق و ترغیب نموده‌اند. بر این اساس مسلمانان در همه ادوار تاریخ نسبت به عمل کردن به این سنت حسنه همت بسیار گماشته‌اند و جهت جامه عمل پوشیدن به این فرمان الهی، تمامی یا بسیاری از اموال و دارایی‌های خود را وقف نموده‌اند.

یکی از این انسان‌های خیرخواه و انسان دوست که بسیاری از اموال و دارایی‌های خود را جهت منفعت بردن دیگران و در پرتو آن، جاودان شدن نام خود، در راه خدا و کسب رضایت او وقف نمود، «حکیم‌الملک اردستانی» است.

حکیم‌الملک به دنبال مداوای دختر پادشاه هند، هدایا و اموال بسیاری به دست آورد و همه آن دارایی‌ها را به دو شکل: موقوفات عام و موقوفات خاص، وقف نمود. مهم‌ترین موقوفه عام ایشان مدرسه کاسه‌گران است که رقبات فراوانی داشته و مهم‌ترین موقوفه خاص ایشان، موقوفه اولادی است که وقف بر اولاد سید روح‌الله خداعلی خود نمود که این موقوفه نیز شامل رقبات متعددی بوده است.

در این مقاله سعی شده ضمن معرفی حکیم‌الملک اردستانی، مهم‌ترین موقوفات عام و خاص وی ذکر گردد و به برخی نکات مهم وقفنامه مدرسه کاسه‌گران و وقفنامه اولادی وی و رقبات آن‌ها، اشاره شود.

## کلیدواژه‌ها:

حکیم‌الملک اردستانی، وقف، وقفنامه، مدرسه کاسه‌گران، وقفنامه اولادی.

## معرفی حکیم الملک اردستانی

امیر محمد مهدی معروف به حکیم الملک ابن میرآقا بیگ بن میر یحیی بن امیرحسن سید روح الله بن سید رضی طباطبایی اردستانی (متولد ۱۱۰۶ ه.ق)؛ به طوری که در میان مردم اردستان و به خصوص سادات سید روح الله معروف است، در آغاز جوانی فقیر و دست تنگ بوده و در همان حال، شوق مفروطی به فراگرفتن فن طبابت و پزشکی داشته و گویا بعضی از کسان و نیاکانش هم به این حرفه اشتغال داشته‌اند، از این رو با گردش و مسافرت به اطراف از طریق طبابت، تحصیل معاش می‌کرد. سپس به فکر مسافرت به خارج ایران افتاد، پس ابتدا به اصفهان رفت. در آن زمان، شاه سلیمان صفوی صاحب تخت و تاج بود و برادر حکیم الملک که میر عبدالله نام داشت، وزارت دربار را برعهده داشت. حکیم الملک پس از ورود به اصفهان در منزل برادرش رفت ولی هنگام صرف شام، میر عبدالله به عذر گرفتاری و مشغله زیاد از صرف

شام با وی خودداری کرد. حکیم الملک از عمل برادر رنجیده و به طرف شیراز حرکت کرد. وقتی میر عبدالله متوجه شد که برادر به عنوان قهر رفته است، کسانی را به دنبال او فرستاد ولی وقتی به بوشهر رسیدند، کشتی حکیم الملک به طرف بمبئی حرکت کرده بود.

حکیم پس از طی طریق به کشور هندوستان ورود نمود. در آن زمان دختر یکی از نواب هندوستان به نام "اورنگ زیب" که معاصر شاه سلیمان صفوی بود؛ دچار مرضی شده بود که پزشکان آنجا از معالجه‌اش درمانده بودند، چون حکیم مدعی طبابت بود به اورنگ زیب خبر دادند که سیدی طبیب از ایران آمده است، اجازه داده شود که او هم از بیمار عیادت کند، پس از کسب اجازه از اورنگ زیب، حکیم بر بالین دختر حاضر شد و به بیماری او پی برده و او را درمان کرد و چون دختر بهبودی یافت و اورنگ زیب از این قضیه مسرور شد، سید را ملقب به «حکیم الملک» نموده و مورد نوازش و اکرام قرار داده و او را از اطباء دربار

گردانید و همچنین از طرف بزرگان و اعیان و امرا نیز هدایایی به او داده شد و تا کمر او را در زر و سیم و جواهر غرق کردند و بدین شکل حکیم الملک دارای ثروت چشمگیری گردید.

حکیم الملک پس از مدتی توقف در هندوستان زن اردستانی خود «زینب بیگم» را به هندوستان طلبید و امر داد تا در اردستان و اصفهان ضیاع<sup>۲</sup> و عقاری<sup>۳</sup> خریداری نمودند و این کار به وسیله دو نفر که حاج محمد رشیدا<sup>۴</sup> و دیگری



استان اصفهان و موقعیت اردستان

آن را به اولاد ذکور دختری خود واگذار می‌کند.

سپس مدرسه‌ای در محله نیم‌آورد اصفهان به نام همسرش «زینب بیگم» بنا می‌کند و آن مخدره نیز در سال ۱۱۱۱ هـ.ق رقباتی بر آن مدرسه وقف می‌کند، به وکالت حاج محمد رشیدا و چون وکیل مذبور از نزدیکان واقف بود، تولیت را نیز در اولاد خود قرار می‌دهد که بعد از مدت‌ها تغییر وضعی ایجاد و از آن طبقه به طبقه دیگر منتقل می‌گردد (زینب بیگم علاوه بر آن، مقداری رقبات وقف بر فقرا و زوار عتبات عالیات عراق به منظور پوشاک و غیره نمود)۶.

از جمله کارهای دیگر حکیم الملک وقف مقداری رقبات و املاک واقع در اردستان و توابع است بر اولاد جدش سید روح الله اردستانی (معروف به اوقاف اولادی).

از دیگر اقدامات خدایسندانه حکیم الملک ساخت صفا‌ای است در مسجد جامع اردستان<sup>۷</sup> که معروف به «صفا حکیم الملک» است.

همچنین وی مساجدی را در روستاهای مهرآباد سفلی<sup>۸</sup>، نیسیان<sup>۹</sup>، ماربین<sup>۱۰</sup>، بَرزآوند<sup>۱۱</sup> و... ساخت.

به طوری که از متون وقفنامه‌ها و شرحی که در «خزانه الخیال» حاج محمد مؤمن جزایری شیرازی<sup>۱۲</sup>، معاصر مجلسی ثانی<sup>۱۳</sup> نوشته شده؛ استنباط می‌شود حکیم الملک در علم طب مقام ارجمندی داشته و در زهد و تقوا و تصوف نیز منزلتی گرامی داشته است. حکیم الملک در محله مون<sup>۱۴</sup> اردستان زندگی می‌کرده است.

حکیم الملک در حال حیات برای دفن خود در نجف رو به روی گنبد حضرت علی ع محلی مهیا نموده بود و املاکی در لم لم<sup>۱۵</sup> و سماوه<sup>۱۶</sup> و حله<sup>۱۷</sup> خریداری و وقف بر مقبره خود کرده که بعد از وفات و دفن در آنجا، دو نفر قاری پیوسته به قرائت قرآن اشتغال ورزند و دو شمع هم بر مقبره او بسوزد و به همین ترتیب عمل گردیده و تا زمان حاضر ادامه داشته است (این قسمت اخیر را مرحوم میرزا محمدعلی موثقی فرزند میرزا حسین،

متوفی ۱۳۴۵ که از زهاد و معتمدان و خود از طایفه حکیم‌الملک بود؛ حکایت کرد<sup>۱۸</sup>.

موقوفه عام حکیم‌الملک اردستانی، مدرسه «کاسه‌گران» معروف به «شمسیه» و «حکیمیه» می‌باشد. به طوری که در شرح حال حکیم‌الملک اشاره شد، سید مردی خیراندیش و به تحصیل ثنوبات اخروی فوق‌العاده اهتمام داشت، از این رو به وسیله سه تن از نمایندگان که «میرزا رشیدا»، «میرزا حسین» و «میرزا علاءالدین گلستانه» نام داشتند، املاکی در اردستان و اطراف آن و اصفهان و نواحی آن خریداری می‌کند و سپس دستور می‌دهد مدرسه‌ای در اصفهان در محله کاسه‌گران به نام حکیمیه یا شمسیه بنا نموده و تمامی آن املاک را بر این مدرسه وقف نمایند. متن وقفنامه، حاشیه و قفنامه، بررسی برخی نکات مهم وقفنامه و... مواردی است که در متن وقفنامه ذیل بدان‌ها اشاره شده است.

### بیان برخی نکات مهم وقفنامه مدرسه کاسه‌گران

#### نام واقف و صفات او

واقف این مدرسه امیرمحمد مهدی

### موقوفات حکیم‌الملک اردستانی

از آنجا که موقوفات حکیم‌الملک بسیار زیاد است و براساس تقسیم‌بندی معروف و مشهور به دو دسته موقوفات عام و موقوفات خاص تقسیم می‌شود، ما این دو دسته از موقوفات ایشان را به صورت مجزا بیان می‌نماییم.

#### الف) موقوفات عام

موقوفاتی را عام می‌گویند که راجع به جهات عامه باشد؛ مثل مساجد، مدارس و هرچه از این قبیل باشد. وقف عام یا شامل جهت است و مصلحت عام را در نظر دارد، مثل وقف بر مساجد، پل‌ها و مدارس و یا شامل عنوان عام است، مثل فقرا و یتام. به تعبیر دیگر می‌توان گفت وقتی مالک، مال منقول قابل دوام یا ملکی را برای کارهای عمومی و عام‌المنفعه وقف می‌کند وقف، عام می‌باشد.

از جمله مهم‌ترین و مشهورترین

معروف به «حکیم الملک اردستانی» بوده است که در سال ۱۰۴ هـ.ق، این مدرسه را گویا بازسازی کرده و املاک و مستغلات زیادی بر آن وقف نموده است. در متن وقفنامه حکیم الملک به این صورت توصیف شده است: «عالی حضرت، سامی رتبت، متعالی منزلت، رفیع مرتبت، قدسی فطرت، قدوسی سبحت، سیادت منقبت، نقابت مرتبت، افادت و افاضت و اقبال پناه، هدایت و نجابت و اجلال دستگاه حقایق و دقایق و معارف آگاه ارشاد و ارقاء انتباه، جامع المعقول و المنقول، مستنبط الفروع من الاصول، جالینوس الزمان، بقراط الدوران، افتخار اعظم المشاهیر اشتهار افاحم جماهیر قدوة، اجلة السادات و النجباء العظام و اعز الصنادید و الشرفاء نبی الانام، نقاوة الأكابر و الأفاخر، مستجمع المکارم و المآثر و النسب المفاخر و الحسب الزاهر و الفضل الظاهر و البذل الباهر، صاحب المناقب العلیه و المناصب البهیة، مالک المراتب الجلیة و الأطوار المرضیه، جامع اخلاق الحمیده و الاوصاف المرضیه، ناصب

رایات الخیرات و التصدقات، باقی مبانى النفقات و التصدقات، نیر المؤمنین و المومنات، المستغنی ذاته الشریف عن التعریف و التوصیف، اعلى الله تعالى شأن سیادته و اقباله و بنیان دولة و عزة و...».

### نام‌های دیگر مدرسه و مکان آن

این مدرسه در محله کاسه‌گران و در بازار ریس‌مان<sup>۱۹</sup> منشعب از بازار عربان<sup>۲۰</sup> و میدان قیام (میدان کهنه)<sup>۲۱</sup> شهر اصفهان قرار دارد و به هنگام بنا به مدرسه شمسیه معروف بوده است و این که چرا آن را شمسیه می‌خوانده‌اند؛ گمان می‌رود که مدرسه ویرانه‌ای بوده که شمس‌الدین محمد یزدی، بانی آن بوده و چون مخروبه شده است حکیم الملک با صلاح‌حدید و تصویب مراجع آن زمان مدرسه را از نو تجدید بنا نموده است و از آن پس، مدرسه حکیمیه نام گرفته است ولی چون در محله کاسه‌گران واقع شده بود، عوام به تدریج آن را مدرسه کاسه‌گران خواندند<sup>۲۲</sup> که در متن وقفنامه به آن

سیادت و نجابت پناه بطانت و  
متانت دستگاه حمیده خصالی،  
ستوده فعالی، غنی الاوصافی معز  
السیادة و النجابه و الفطانه و المتانته و  
الکمالات «میر محمد سعید» خلف  
سیادت و مرحمت پناه، الواصل الی  
جوار مرحمته الملك الباری میر  
محمد حسین اردستانی که به شرف  
مصاهرت واقف - وفقه الله تعالی -  
مشرف است...»،

۲. «و بعد از آن که مومی الیه از این  
سرای فانی لازم الفناء رخت بسته  
متوجه دارالبقاء عقبی گردد، امر  
تولیت مخصوص اسن اولاد ذکور  
مومی الیه که به صفت صلاح و  
سداد موصوف و به زیور فضل و  
علم متصفند و از بطن صبیہ عالی  
حضرت واقف مومی الیه - جعل الله  
عواقب آماله محسنا - بوده باشد»،

۳. «و اگر اسن اولاد مومی الیه متصف  
به صفت مزبوره نبوده باشد و عقب  
او موصوف به صفت علم و فضل  
بوده باشند امر تولیت مخصوص  
او بوده در هر مرتبه از مراتب علم

اشاره شده است: «مدرسه معینه حُسنیه  
موسوم به مدرسه حکیمیه، مشهوره  
بین جمهور عوام به مدرسه شمسیه و  
کاسه گران واقعه در قرب میدان ایلچی  
خان دارالسلطنه اصفهان - صانها الله  
تعالی عن طوارق الحدثان - متصله به  
سوق سلطان، من اسواق دارالسلطنه  
مزبوره...».

## هدف از وقف

واقف نیت خود را از این وقف این  
گونه بیان می‌دارد: متقربا الی الله تعالی  
بمحض التقرب، خالیا عن الشائبه،  
خالصا مخلصا لوجهه، طلبا لمرضاته،  
تقبل الله سبحانه میامن حسناته و محی  
عنه سیاته.

## متولیان موقوفه، شرایط و صفات آنان

۱. اولین متولی مدرسه «میر محمد  
سعید»<sup>۲۳</sup> بوده که در متن وقفنامه  
به نام او اشاره شده است: «امر  
تولیت حصص مذبوره و رواج و  
رونق مدرسه مسفوره را از برای

و فضل را منظور و ملحوض کلی دانسته، تقدم اعلمیت و افضلیت و اورعیت را بر اکبریت شرط دانند»، ۴. «و بعد از ایشان به اولاد اولاد ایشان ما تعاقبوا و تناسلوا، نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین، مفوض و مرجوع بوده باشد»، ۵. «و اگر العیاذ بالله اولاد ذکور متولی از بطن صبیبه واقف موفق معزی الیه منقرض گردند، امر تولیت مخصوص اولاد ذکور انانث متولی که از بطن صبیبه آن عالی حضرت ملکه صفات بوده باشد، بالشرط المذکور لا بالترتیب و بعد از او به اولاد او، بعد از آن به اولاد اولاد او و هکذا هلم جرا»، ۶. «و اگر العیاذ بالله من ذلک اولاد متولی مومی الیه از بطن صبیبه واقف منقرض شود، امر تولیت به اولاد ذکور متولی مذکوره که از بطن دیگری باشد، مخصوص و متعلق بوده باشد»،

۷. «و اگر اولاد ذکور مذکور نیز منقرض گردند، مخصوص اولاد ذکور انانث متولی مذبور که از بطن دیگری باشد بوده باشد الی انقراض الزمان و در همه مراتب اعلمیت و افضلیت و صلاح و سداد مقدم است»، ۸. «و ایضا شرط فرمودند که هر گاه ذکور اولاد ذکور و ذکور اولاد انانث میر محمد سعید، مومی الیه بالکلیه منقرض و منقطع گردند، امر تولیت مخصوص یکی از سادات و عظام کرام که نسبت او منتهی به ثمره شجره طیبه طاهره و ما ارسلاک الا رحمة للعالمین، نقاوه احفاد خاتم النبیین، خاصه اعقاب امام المتقین، کاشف اسرار الحق و الیقین، نور الواصلین، سید روح الله، روح الله تعالی گردد، مخصوص و متعلق بوده باشد»، ۹. «و اگر العیاذ بالله سلسله رفیعه و کریمه سید روح الله مذبور نیز منقرض گردند، امر تولیت مخصوص یکی از اولاد امجاد عالی حضرت، سامی رتبت، متعالی



تومان تبریزی به کسی داده شود که هم به تدریس و هم به عنوان ناظر در مدرسه اشتغال داشته باشد (تدریس مدرسه مذکور به عهده مولانا محمدرضا، خلف گرامی عالی حضرت ملا محمدباقر مجلسی، قرار داده شده است و شرط نمودند که تا در سلسله شریفین عالی حضرت سابق الاقباب دامت مفاخره و معالیه السنیه، احدی بوده باشد که قابلیت تدریس و نظارت داشته باشد، یا خود متوجه تدریس و نظارت شود و یا احدی را که از جهت فضل و صلاح قابلیت امرین مزبورین داشته باشد، تعیین نماید و اگر در سلسله جلیله اولاد فضایل پناه مزبور کسی که قابل امر مزبور باشد، نبوده باشد هر که از اولاد عالی حضرت، جنت منزلت، آخوند مولانا محمدتقی والد ایشان اهلیت امر مزبوره داشته باشد یا قیام به امر مذکور یا تعیین شخص قابل نماید و الا متولی آن عصر به تجویز عالم محدثی که مرجع فضلالی عصر باشد تعیین نماید و

منزلت، قدسی صفات، ملکی ملکات اسلام و اسلامیان، ملاذی مجتهد الزمانی، مولانا محمدباقر مجلسی که به زیور فضل و کمال و صلاح و سداد موصوف باشد بوده باشد».

۱۰. «و اگر العیاذ بالله کل اولاد اسلام ملاذ و مومی الیه نیز منقرض گردد امر تولیت موقوفات مذبوره و رواج و رونق مدرسه مذکوره مختص باشد به فقیه راوی احادیث اهل بیت علیهم السلام که در تحت توقیع شریف بقیة الله فی ارضه به این عبارت شریفه «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة احديثنا فانهم حجتي علیکم و انا حجة الله» به اذعان علمای زمان داخل باشد».

### مصارف رقبات موقوفه

۱. تعمیرات مدرسه: مخارج تعمیر مدرسه از رقبات موقوفه برداشت گردد.
۲. متولی: عشر آن به عنوان حق التولیه توسط متولی برداشته شود.
۳. مدرس و ناظر مدرسه: سالی پانزده

با تعدد در هر مرتبه از مراتب رفیع تشاح به قرعه شرعیه نماید).

۴. **طلاب مدرسه:** به طلاب سکنه هر حجره از حجرات مدرسه روزی پنجاه دینار تبریزی داده شود(و اگر حاصل موقوفات مزبوره زیاده از حجره‌ای پنجاه دینار باشد، دو شخص را در یک حجره جای داده، هر حجره هر یوم مبلغ یکصد دینار تبریزی رسانند و اگر به امداد عنایات ربانی از حجره‌ای یکصد دینار اضافه آید وجه اضافه را بالسویه فیما بین طلبه مدرسه مزبوره انقسام شرعی نمایند و اگر در سالی العیاذ بالله از وجه مقرر حجرات مزبوره که پنجاه دینار است به علت آفات نقصانی واقع شود، آن را نیز بر حجرات مزبوره توزیع و تقسیط نمایند).

۵. **مؤذن مدرسه:** به مؤذن روزی پنجاه دینار و فقط یک مؤذن در مدرسه باشد.

۶. **خادمین مدرسه:** دو نفر خادم در مدرسه باشد. به هر کدام روزی شصت دینار اجرت داده شود.

۷. **آبکش مدرسه:** یک نفر آبکش، به قراری روزی پنجاه دینار اجرت داده شود.

### شروط جهت حصص موقوفه

- نفروشد و
- هبه نمایند و
- تملیک و تملک و ابدال و تبدیل نمایند و
- به ارباب استیلا و اصحاب استعلاء، مطلقا به اجاره ندهند لا مدة طویله و لا قصیره و لا بعقد واحد و لا به عقود متعدده و لا به شخص واحد و لا به اشخاص متکثره، مگر به رعایا و مزارعان و آن نیز زیاده از سه سال ندهند،
- صدور عظام و قضات اسلام و حکام کرام و مباشران موقوفات عامه و خاصه اصلا و مطلقا در موقوفات مزبوره مدخل نسازند و حساب از متولی نطلبند و مستوفی و مشرف و متصدی بر موقوفات مزبوره نگمارند و به علت رسم الصداره و حق النظاره و سایر رسومات، طلبی نمایند.

منقضی شده مراجعت ننموده باشند، جای او را به دیگری دهد. وظیفه او که در ایام غیبت مشروطه، جمع شده باشد اگر وفا به شرط نموده مراجعت کرده باشد تسلیم او نماید و الا به ساداتی که به بلای پریشانی مبتلا باشند؛ رسانیده مدخل و تصرف نمایند.

### شهود و امضاء کنندگان وقفنامه مدرسه

عده‌ای از علمای عصر وقفنامه مدرسه کاسه‌گران را به این شرح مهر و امضاء نموده‌اند:

۱. تنفیذ علامه زمان، آخوند «ملا محمدباقر مجلسی دوم» است که در تاریخ محرم یکهزار و یکصد و شش هجری قمری با خط شکسته بسیار خوب نوشته شده و سجع مهر: «محمدباقر العلوم» می‌باشد و معلوم می‌گردد که از تاریخ عقد وقف که ۶ شوال ۱۱۰۴ هـ.ق است، تا این تاریخ (۱۱۰۶ هـ.ق) یک سال و چند ماه گذشته بوده است.

### وظیفه متولی در قبال طلاب مدرسه

۱. و هر یوم مبلغ پنجاه دینار به طلبه سکنه هر حجره از حجرات مدرسه مزبور دهند،
۲. و ایضا شرط فرمودند که متولی در حینی که حجرات مزبوره را به طلبه می‌دهد اولاً تحقیق احوال ایشان نماید که به غیر از تحصیل علوم دینی به کسب دیگر مشغول نباشند،
۳. و اگر احدی از ایشان متأهل باشد شرط نماید که در هفته چهار شب در حجره مدرسه که مختص اوست بیتوته نماید،
۴. و هم‌چنین شرط فرمودند طلبه سکنه مدرسه مزبوره، متوجه زیارت مکه معظمه - زادها شرفا و تعظیماً - گردند مدت یک سال و اگر عازم زیارت عتبات عالیات - علی ساکنهم الف تحیه و تسلیماً - یا مهشده مقدس رضویه - علی مشرفه الف الف التحیه - گردند پنج ماه متوالی صبر نموده، جای ایشان را به احدی ندهد و اگر مدت مشروط

۲. تنفیذ یکی دیگر از علمای زمان «ملا محمد قاسم» در یک هزار و یکصد و شش هجری قمری و سجع مهر: «العبد الاثیم محمد قاسم».
۳. محل امضاء و تنفیذ «سید مرتضی طباطبایی» یکی دیگر از علمای طباطبایی است که ظاهراً از احفاد شرف الدین علی میر میران جد طایفه جدلی‌ها به‌شمار می‌رود و سجع مهرش: «مرتضی الطباطبایی».
۴. محل مهر و تنفیذ «میر زین العابدین حسینی تبریزی» به سجع مهر: «عبد زین العابدین».
- نکته‌ای که از امضاء و تنفیذ فوق استنباط می‌شود این است که حکیم الملک در محرم یک هزار و یکصد و شش در اصفهان حضور داشته و در محضر عالم مزبور و نیز سید مرتضی طباطبایی شخصا اقرار کرده است و به این ترتیب باید معتقد شد که حکیم در اصفهان بوده است، حال این که آمده و مراجعت کرده به چه کیفیتی بوده است، معلوم نیست.
۵. محل امضاء و تنفیذ «محمد ابراهیم ابن احمد بن سلامه النجفی» یکی از علمای وقت. به سجع مهر: «سلام علی ابراهیم».
۶. امضاء و تنفیذ فرد دیگری به نام «حسن اردستانی» که از معارف اردستان بوده است.
۷. امضاء و تنفیذ فرد دیگری به نام «سید محمد حسینی» که هویتش روشن نیست.
۸. امضاء و تنفیذ فرد دیگری به نام «محمد علی رادی»<sup>۲۴</sup> که هویتش روشن نیست.<sup>۲۵</sup>
۹. سجع مهر فرد دیگری به نام «ابن محمود حسینی علی الموسوی الرضوی».
۱۰. شهادت فرد دیگری به نام «ابن ابوالحسن الحسنی حسینی».
۱۱. سجع مهر فرد دیگری به نام «ابن محمد علی الاستر آبادی».
۱۲. شهادت فرد دیگری به نام «کمال الدین حسینی».
۱۳. شهادت فرد دیگری به نام «سید محمد حسینی».

۱۴. شهادت فرد دیگری به نام «ابن محمد سعید استرآبادی».
۱۵. سجع مهر فرد دیگری به نام «محمد اکمل».
۱۶. شهادت فرد دیگری به نام «ابن درویش شاهقلی رشید».
۱۷. سجع مهر فرد دیگری به نام «ابن محمد جعفر محمدحسین جابر الانصاری».
۱۸. سجع مهر فرد دیگری به نام «ابن محمد نصیر محمد جعفر جابر الانصاری».
۱۹. شهادت فرد دیگری به نام «ابن میر سعدا عنایت الله الحسنی الحسینی الاردستانی».
۲۰. شهادت فرد دیگری به نام «ابن محمد مؤمن نعمت الله شیرازی».
۲۱. شهادت فرد دیگری به نام «حاجی محمد زکی همدانی».
۲۲. شهادت فرد دیگری به نام «ابن ضیاء الدین محمد طباطبایی».
۲۳. سجع مهر فرد دیگری به نام «محمد جعفر بن حیدر الاصفهانی».
۲۴. سجع مهر فرد دیگری به نام «ابن محمد حسین عبدالباقی».
۲۵. شهادت فرد دیگری به نام «میر محمد قاسم ولد میر محمد مؤمن طباطبایی».
۲۶. شهادت فرد دیگری به نام «محمد علی اردستانی طباطبایی».
۲۷. شهادت فرد دیگری به نام «میر محسن ابن میر اسماعیل».
۲۸. شهادت فرد دیگری به نام «محمد حسن بن محمد شفیع اصفهانی»<sup>۲۶</sup>.

### مواردی که متولی جهت حفظ اموال موقوفه باید مد نظر داشته باشد

- در جمیع مراتب متولی کمال صرفه و غبطه موقوفات و رواج و رونق مدرسه را منظور نظر اصابت در آورده،
- مشتبهات نفس اماره و مساهلات لازم (نفس) لوازم اغراض دنیویه و مدعیان متنوعه که باعث تخریب و فساد مطالب واقف و موقوفات باشد، اجتناب و احتراز لازم دانسته،

○ از غضب الهی و سخط رسالت پناهی و حضرات ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - اندیشه نماید،

○ و در هر مرتبه از مراتب، متولی از روی اطمینان نفس و حضور قلب و امعان نظر تمام و فکر و تدبیر لا کلام، در مراتب حسن و قبح و ملاحظه اطراف و جوانب، متوجه ضبط و حفظ موقوفات و صرف محصولات آنها به مصارفی که مقرر گشته شده، خوض نماید،

○ و تغییر کننده این وقف مبارک و شروط منصوصه آن، به لعنت الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی و حضرات ائمه معصومین گرفتار باشد.

### تاریخ نگاشتن وقفنامه

این وقفنامه در تاریخ ششم شوال سال ۱۱۰۴ هـ. ق به رشته تحریر درآمد: «فی سادس شوال ختم بالخیر و الاقبال فی شهر سنه اربع و مائه بعد الف من الهجرة النبویه المصطفویه المحمدیه».

### رقبات مدرسه کاسه گران

این مدرسه و ققیات بسیاری داشته که شامل املاک، باغها، مزارع و زمینهای متعددی بوده است که در اصفهان و نواحی اطراف آن مانند اردستان قرار داشته است که عالی حضرت، سامی رتبت، واقف به شرط مرقومه وقف شرعی نمود به دو دفعه که خود به نفس نفیس در بلاد هندوستان اکتساب نمودند؛ تعداد این رقبات بیش از صد فقره می باشد.

### ب) موقوفات خاص

موقوفاتی را خاص می گویند که اختصاص به افراد معینی به طور تعقب داشته باشد؛ مثل وقف بر اولاد و احفاد. به عنوان مثال، مالکی مال غیر منقول یا مال منقول قابل دوام را وقف می کند تا فرزندان او از منافع مال بهره ببرند که این عمل را وقف خاص گویند.

حکیم الملک اردستانی موقوفه خاصی تحت عنوان «موقوفه اولادی» داشته که رقبات آن را وقف بر اولاد سید روح الله اردستانی، جد اعلا

مناهج الرشید للمراد المآب، سلیل ۳۲  
 الساده الکرام، نخبه الاماجد ۳۳ الفخام،  
 مداوی امراض الصفات المردیه ۳۴،  
 قانون شفاء الاسقام ۳۵ الرديه، راقم  
 نسخه امور الخیر و الصلاح، واقف  
 و جیزه رموز الهدایه و الصلاح، المهدی  
 بهدایه الملك العلی، المستوثق بالطاف  
 الکریم التقوا، شمس سماء السیاده و  
 الافاده و العز و العلاء، میر محمد مهدی  
 الطباطبایی المخاطب به حکیم الملك،  
 زاد توفیقه و تأییده و مجده» ۳۶.

### القاب و صفات «میرزا حسین» وکیل حکیم الملك

حکیم الملك «میرزا حسین» را  
 به عنوان وکیل خود در رسیدگی به امور  
 مربوط به موقوفه اولادی خود قرار داده  
 و نام او را با این القاب و صفات در  
 متن وقفنامه مورد خطاب قرار می دهد:  
 «جناب ستوده آداب مُتَوَرَّع ۳۷ متصف به  
 صلاحیت نسب و تقوا و ورع دستگاه  
 الموفق، المسدد الاین، ناهج سبیل  
 النشأتین، مولانا "میرزا حسین" وکیل  
 ثابت الوکاله...».

خود نموده است و این وقف در تاریخ  
 بیست و دوم شهر ذیحجه الحرام سال  
 یکهزار و یکصد و چهار هجری قمری  
 انجام گردیده است. وقفنامه به زبان  
 فارسی مخلوط با عربی نوشته شده  
 است. ۲۷.

### برخی ارکان و محتویات این وقفنامه عبارت است از:

#### نام واقف و صفات او

در وقفنامه مربوط به احفاد سید  
 روح الله اردستانی، حکیم الملك بدین  
 شرح توصیف گردیده است: «عالی  
 حضرت، حمیده خصلت، منبع ۲۸  
 منزلت، سیادت و نجابت و نقابت پناه،  
 حکمت و صداقت و فضایل دستگاه،  
 افادت و افاضت و حقانت انتباه، مناقب  
 و مفاخر و اعالی اکتناه ۲۹، جالینوس  
 العصر و الزمان، بقراط الدهر و الدوران،  
 السید الامد ۳۰ الجلیل المؤید، الفاضل  
 المؤتمن، التبیل المسدد، ۳۱ صاحب  
 القدر و المرتبه العلیا، مراعی امور الدین  
 و الدنیا، سالک الخیر و الصواب، ناهج

## متولیان موقوفه، شرایط و صفات آنان

ذکور و مع فقدهم به اکبر و اصلح  
اناث و اولاد اولاد اناث ما تناقبوا و  
تناسلوا به شرط مذکور در هر مرتبه  
از مراتب مذکوره، اگر اصغر اولاد  
اصلح از اکبر باشد تولیت متعلق به  
اصلح خواهد بود و اگر در هر طبقه  
از طبقات متولیان در بطن اعلی،  
صفت حمیده صلاح، مفقود باشد،  
تولیت متعلق باشد به بطن اسفل، بر  
نهج مسطور فوق، و اگر بطن اعلی  
به صفت صلاح، عود نماید، تولیت  
بر نهج مسطور، به اکبر از بطن  
اعلی، کما کان عود خواهد نمود و  
در جمیع صور مسطور، اکبریت به  
صفت صلاح، ملحوظ است»،

۴. «و اگر نعوذ بالله، اولاد متولی  
مذکور، ذکوراً و اناثاً و احفاداً بالکلیه  
منقرض شود، تولیت مرجوع است  
به فقیه شیعه اثنی عشری - کثر الله  
امثالهم - که به صفت حمیده تقوا  
و مواظبت اوقات صلوات خمس  
و اقدام به اکثر نوافل و مستحبات  
و دیانت در مالیات متصف باشد  
و در دارالسلطنه اصفهان سکنی

۱. اولین متولی مدرسه «میر محمد  
سعید» بوده که در متن وقفنامه به نام  
او اشاره شده است: «جناب ستوده  
آداب، سیادت و نجابت پناه، فضیلت  
و افاضت و افادت دستگاه، السید  
الصالح التقی، المورع الاید الزکی،  
الموفق المسدد الحمید» میر محمد  
سعید» ابن السید المرحوم المغفور  
میر محمد حسین الطباطبائی، نواده  
برادر عالی قدر، جالینوس الزمان  
سابق و داماد او»،

۲. «و بعد از او به اکبر و اصلح اولاد  
ذکور او و اولاد اولاد ذکور او، ما  
تعاقبوا و تناسلوا نسلماً بعد نسل عقباً  
بعد عقب به شرط تقدم بطن اعلی  
بر بطن اسفل»،

۳. «و اگر العیاذ بالله اولاد ذکور و اولاد  
اولاد ذکور منقرض شود، به اکبر و  
اصلح اولاد ذکور اولاد اناث او و  
ذکور اولاد اولاد اناث، ما تعاقبوا  
و تناسلوا نسلماً بعد نسل عقباً بعد  
عقب به شرط مذکور از اولاد



اوانه، سلیل الاماجد، الفخام فی زمانه، الواصل به جوار رحمة الله الغفور الرحیم الغنی، سید روح الله الطباطبایی الاردستانی، روح الله و روحه مراح حیاته، منتهی شود، ذکوراً و اناثاً بالسویه، دون التفاضل و المزید، عاید و واصل سازد،

۴. و همچنین بعد از ارتحال اشخاص این طبقه از سادات عالی درجات مذکور که موجودند، او را به اولاد ذکور و اناث ایشان بالسویه برسانند، و بعد از ایشان به اولاد اولاد ایشان، نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب، به شرط انتساب ایشان از جانب پدر به سید مرحوم مذکور و مادام که در این سلسله علیه کسی از ذکور و اناث باقی باشد، احدی را در وقف مذکور، شریک و سهم ندادند،

۵. و اگر نعوذ بالله، سلسله سادات مذکور بالکلیه منقرض شود، نه عشر مذکور را سال به سال، متولی آن عصر به سادات عالی درجات سکان عتبات عالیات مقدسات عرش درجات مذکورات سیمما،

داشته باشد و بر تقدیر تعدد فقیه، موصوف به مختار از قرعه شرعیه و اگر اشکالی در مراتب تولیت اولاد و احفاد متولی واقع شد، در هر عصری از اعصار، رفع آن به قرعه شرعیه نماید».

### مصارف رقبات موقوفه اولادی

حکیم الملک جهت رقبات موقوفه اولادی خود موارد مصرفی را تعیین نموده که بدین شرح می باشد:

۱. مقرر این که هر ساله بعد از وضع و جهات و وجوهات دیوانی و حقوق و خراج سلطانی آنها و وضع بذر و مسالح الاملاک و اصلاح و آبادانی آنچه از املاک خراب باشد یا شود و اخراجات قنات و سایر آنچه در بقاء عین و مزید انتفاع موقوفات مسطوره، مدخل داشته باشد،

۲. یک عشر را متولی به حق التولیه خود، تصرف نماید،

۳. و نه عشر تتمه را به ساداتی که نسب ایشان من جهت أب، به سید مرحوم مغفور، خلاصه السادات الکرام فی

نجف اشرف غروی و کربلای نبوی و ساداتی که معسر و پریشان و در اردستان ساکن باشند، ذکوراً و اناثاً، صغیراً و کبیراً بالسویه و المساوات برساند، إلی أن یرث الله الأرض و من علیها.

### شهود و امضاء کنندگان وقفنامه اولادی

عده‌ای از علما و سرشناسان عصر، وقفنامه را به این شرح امضاء نموده‌اند:

۱. تنفیذ و امضاء «محمد تلکابادی» ابن عبدالواحد که از علمای تلک آباد اردستان بوده است. متن عبارت به این شرح است: «اعترف الوکیل الجلیل دام عزه و فضله، لدی، حرره العبد الاعقل، ابن عبدالواحد محمد تلکابادی».

۲. محل تنفیذ و امضاء «خواجه قاسم اردستانی» فرزند خواجه وحیدالدین که ظاهراً از معاریف اردستان بوده است. عبارت تنفیذ به این شرح آمده است: «العبد الاقل، ابن خواجه وحیدالدین، خواجه قاسم اردستانی».

۳. محل تنفیذ و امضاء «آقا محمد ابراهیم» ابن حاجی رشید میر آذر، که او نیز از معاریف اردستان بوده است.

۴. محل تنفیذ و تسجیل «شیخ محمدعلی» که از علمای آن زمان بوده است.

۵. محل شهادت «ابو الحسن بن شرف‌الدین علی طباطبایی» متن عبارت تنفیذ به این شرح است: «أنا من الشاهدین بما فیه، ابوالحسن بن شرف‌الدین علی طباطبایی»، که ظاهراً فرزند میر میران معروف اردستان بوده است و خود ابوالحسن هم از معاریف و در سلک اهل علم محسوب می‌شده است.

۶. محل تنفیذ و امضاء «بهاء‌الدین محمد بن حاجی محمد امین» که از معاریف اردستان بوده است. متن عبارت تنفیذ به این شرح است: «کتبه الاقل ابن حاجی محمد امین بهاء‌الدین محمد». مهر: العبد حاجی محمد بن حاجی امین.

۷. محل شهادت و تنفیذ «فرزند غیاث‌الدین مسعود حسینی». متن عبارت

۱۳. محل تنفیذ و امضاء «محمد مقیم بن محمد رشیدالجعفری» که از علماء زمان بوده است.

۱۴. محل تنفیذ و امضاء «ملا محمدخلیل بن محمد شفیع الاسترآبادی» که از علمای زمان بوده است.

۱۵. محل تنفیذ و امضاء «طالب» که از معاریف اردستان بوده است.

۱۶. محل تنفیذ و امضاء «اسماعیل» که از معاریف اردستان بوده است.

۱۷. محل تنفیذ و امضاء «جلال» که از معاریف اردستان بوده است.

۱۸. محل تنفیذ و امضاء «آقا شیخ علیا» که از علمای زمان بوده است.

۱۹. محل تنفیذ و امضاء «آقا جمالا» که همان آقا جمال خوانساری باشد.

۲۰. محل تنفیذ و امضاء «آقا رضا» که از علمای وقت بوده است.

۲۱. محل تنفیذ و امضاء «شیخ محمد جعفر» که از علمای معروف آن عصر بوده است.

و صیغه شرعیه بر نهج مسطور

جریان یافت و وکیل مزبور تخلیه ید از

املاک و باغات و میاه و سایر حصص

تنفیذ به این شرح است: «أنا من الشاهدین ابن غیاث الدین مسعود الحسینی» و منظور همان شرف الدین علی، معروف به میر میران است که در زمان خود مستغنی از قیود و ممیزات بوده است.

۸. محل تنفیذ و امضاء «محمد بن شیخعلی». متن عبارت تنفیذ به این شرح است: «لدى الفقیر محمد بن شیخعلی» گویا وی، فرزند همان شیخ محمدعلی سابق الذکر است.

۹. محل تنفیذ و امضاء «محمد علی بن غیاث الدین مسعود طباطبایی» که ظاهراً منظور همان شرف الدین علی میر میران است و اگر این طور باشد با امضاء کننده بند هفتم متحد می شود.

۱۰. محل شهادت و تنفیذ «آقا فاضل» که هویتش مشخص نیست.

۱۱. محل شهادت و تنفیذ «میر سید محمد نامی» که از معاریف اردستان بوده است.

۱۲. محل تنفیذ و امضاء «ملا محمدقاسم بن محمدرضا مجلسی».

مفصله مذکوره نموده به تصرف متولی مشارالیه داد و او به ید تولیت شرعی تصرف و قبض شرعی کرد و شرایط صحت و لزوم در وقف مذکور محقق شد. و کان ذلک فی ثانی و عشرين من شهر ذی الحجة الحرام من شهر سنه أربع و مائة بعد الألف (۱۱۰۴ هـ.ق).

توضیح این که این وقفنامه در حاشیه رونوشت وقفنامه اصلی نوشته شده است و اصل وقفنامه را از نگارنده (ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی) ندیده‌ام. این وقف اخیر مصادف با زمان میرزا محمد اسماعیل پسر میرزا محمد سعید که متولی وقف بوده انجام گردیده است و چند نفر هم وقف اخیر را تنفیذ کرده‌اند:

۱. محمدعلی بن رفیع‌الدین محمد طباطبایی، پدر مجمر<sup>۳۸</sup>؛ به این عبارت وقفنامه را تنفیذ نموده است: «اعترف بمافیه لدی، حرره الخاطی، ابن رفیع‌الدین محمد طباطبایی. مهر: و رفعناه مکانا علیا».

۲. محمدجعفر ابن مرحوم قطب‌الدین یمانی اصفهانی؛ به این عبارت

وقفنامه را تنفیذ نموده است: «حرره الخاطی ابن مرحوم قطب‌الدین یمانی اصفهانی. مهر: محمدجعفر ۱۱۰۴. حسین نامی هم تنفیذ و امضاء نموده است که هویتش مشخص نیست<sup>۳۹</sup>.

### رقبات موقوفه اولادی

اول) کلیه رقبات خانه قدیمی اجدادی واقف و خانه اکتسابی و باغچه مربوط به آن (خانه اجدادی حکیم‌الملک در محله مون اردستان بوده که هنوز در وسط محل میدان، بالای مسجد میرجمله باقی است.<sup>۴۰</sup> میر محمدحسین که وارث او بوده خانه مزبور را به پسرهای میر مؤمن: [میر عبدالله، میر رحیم، میر محمد، سید علی و سید احمد] ابن میر هادی ابن میر جلال به مبلغ بیست و دو تومان می‌فروشد و به پنج قسمت می‌کنند که یک قسمت آن معروف به منزل میر محمدصادق است و در تصرف اولاد میرزا اسماعیل است).

دوم) مجری المیاه دویست سهم از سهام معینه مخصوصه به واقف

دانگ و نیم از آب کاوه قنوات شور و شیرین و شیرجرد<sup>۴۵</sup> معینه محله کبودان.

دهم) یازده سهم از دویست و هشتاد سهم قنات موغار<sup>۴۶</sup>.

یازدهم) ده حبه از جمله هفتاد و دو حبه کل طاحونه علیا، دائره با آب قریه مذکوره (موغار).

دوازدهم) سه دانگ مشاع کهنک<sup>۴۷</sup> از قراء برزآوند اردستان.

سیزدهم) هفتاد و هفت حبه مجری المیاه اُونج با تمام متعلقات (جزء علیا).

چهاردهم) اکبرآباد<sup>۴۸</sup> با تمام لواحق.

پانزدهم) املاک و باغات محله کبودان با مجری المیاه چهار صد و نود و هفت سرجه و دو دانگ و نیم از نهر ریز و شیرجرد و کاوه و یومیه محله مذبور، مشتق از قنات اَرَوَنه شاهی.

نکته: چون املاک موقوفه حکیم الملک در قریه موغار، آبش بیش از زمین و ملک بوده، حاج میر محمدحسین، خلف مرحمت پناه میر محمدجعفر طباطبایی زواره‌ای، چندین

و قطعه متصله به باغ زرده حاجی مصطفی و نبیره مسلمی، مشهور به قطعه میر عسگری که از این وقف مستثنی است.

سوم) هشتصد و بیست و پنج سرجه و دو دانگ و نیم از یک سرجه محله مون از قناتین قدیم و جدید.<sup>۴۱</sup>

چهارم) سیصد و چهل و سه سرجه و نیم از سهام معینه محله رامیان مشتق از قنات اَرَوَنه و مجری المیاه چهل و یک سهم نهر کچویه رستاق اردستان.

پنجم) املاک و باغات و میاه محله باب الرّحی و اُستون (در محله باب الرّحی).

ششم) ششصد و شانزده سرجه مجری المیاه محله فُهره و نیم طاق آب کُرداس<sup>۴۲</sup> (رودخانه).

هفتم) املاک و باغات قریه تلکباد<sup>۴۳</sup> اردستان.

هشتم) هفت سهم از هشت سهم مزرعه نوگاباد از توابع تلکباد.

نهم) مجری المیاه سیصد و سی و یک دانگ از آب جوقی<sup>۴۴</sup> و یازده

قطعه از املاک شخصی خود را که در موغار داشته، وقف بر اولاد سید روح الله اردستانی کرده که در هامش وقفنامه حکیم الملک تحریر شده است.

### نتیجه گیری

وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال و عناوین مختلف در میان جوامع گوناگون بشری وجود داشته است و با ظهور اسلام، این سنت حسنه مورد تأیید قرار گرفت و به وسیله پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام بدان جامه عمل پوشیده شد و پس از ایشان به دلیل تأکید فراوان امامان معصوم علیهم السلام هم در عمل و هم در گفتار، مسلمانان با اشتیاق فراوان، تمام یا بخش عمده‌ای از اموال خود را وقف می‌نمودند تا علاوه بر عمل به دستور خداوند، جهت کمک به دیگران و کمک به اقتصاد جامعه اسلامی، نام و یاد خود را در تاریخ ماندگار کنند. از جمله این مسلمانان که با عمل به این سنت حسنه باعث ماندگار شدن نام و اثر خود گردید،

«حکیم الملک اردستانی» است. حکیم الملک اردستانی با طبابت بی نظیر خود، دختر پادشاه هند را درمان و در قبال آن اموال زیادی دریافت نمود و بخش عظیم آن اموال را در راه خدا وقف نمود. موقوفات حکیم الملک هم جنبه عام داشته و هم جنبه خاص. موقوفات عام وی شامل ساخت مسجد، مدرسه و... و موقوفات خاص ایشان شامل وقف بر اولاد بوده است. از جمله مهم‌ترین موقوفه عام حکیم الملک مدرسه کاسه‌گران معروف به حکیمیه و شمسیه، می‌باشد. وقفنامه مدرسه کاسه‌گران از جمله وقفنامه‌هایی است که تمامی نکات یک وقفنامه کامل را داراست مثل: ذکر نام واقف، نام موقوفه و مکان آن، هدف از وقف، متولیان و شرایط آنان، موارد مصرف، شهود، تاریخ نگاشته شدن وقفنامه و موارد متعدد دیگر. این وقفنامه دارای حاشیه مجزایی هم می‌باشد که اختصاص به امضاء و تأیید شاهدان وقفنامه دارد. به علاوه این مدرسه دارای رقبات

اصفهان بوده است.

حکیم‌الملک موقوفات دیگری هم داشته است که به دلیل فقدان وقفنامه و منابع معتبر و اسناد و مدارک کافی، قادر به شرح و بیان آنها نبودیم.

امید است که مردم جامعه اسلامی ما با الگو قرار دادن این انسان‌های خیر - که با نیت خدا پسندانه سعی در رفع نیازهای ضروری مردم داشتند و باعث رواج این سنت حسنه در میان مردم و در سطح بالاتر، منشأ خیرات و برکات بسیاری در جهت ترویج و گسترش دین مبین اسلام و تربیت و پرورش عالمان و دانشمندان بسیاری گردیدند - با وقف نمودن اموال و دارایی‌های خود، گام مؤثری در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی برداشته و باعث اعتلای دین مبین اسلام در سطح جهانی گردند. ان شاء الله

فراوانی بوده است که متأسفانه در طول زمان به دلایل مختلفی از حالت وقف خارج شده و هم اکنون این رقبات به حدی رسیده است که حتی جوابگوی تعمیرات مدرسه هم نمی‌باشد. این مدرسه از آن زمان تا کنون پابرجا و مرکز تربیت و پرورش عالمان بزرگی همچون: میرزای قمی، میرزا ابوالحسن جلوه، سید حسین طباطبایی، سید محمد محیط طباطبایی، میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی و... بوده است.

مدرسه کاسه‌گران با معماری زیبا و تزیینات بی‌نظیر هر ساله سیاحان و گردشگران زیادی را به سوی خوی جذب نموده و جزء آثار تاریخی اصفهان به شمار می‌آید.

از جمله مهم‌ترین موقوفه خاص حکیم‌الملک؛ موقوفه اولادی ایشان است که وقف بر اولاد سید روح الله اردستانی جد اعلای خود نموده است. این موقوفه نیز دارای رقبات فراوانی بوده است و عمده این رقبات در اردستان محل تولد حکیم‌الملک و

## پی‌نوشت‌ها:

۱. محقق و نویسنده، کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه.
  ۲. ضیاع: جمع ضیعه، به معنای اراضی مزروع و غله خیز (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه ضیاع).
  ۳. عقار: ملک و آب و زمین و هر ملک ثابت پابرجایی مانند خانه (فرهنگ لغت معین ذیل واژه عقار).
  ۴. حکیم‌الملک از زن خود، زینب بیگم اردستانی دو دختر داشته است که یکی زوجه حاج محمد رشیدا و دیگری زوجه میرزا محمد سعیدا بوده است. در واقع حاج محمد رشیدا داماد حکیم‌الملک بوده است (آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۹۴).
  ۵. میرزا محمد فرزند سید ابوتراب، مشهور به علاءالدین گلستانه از اعلام معروف در دارالعلم اصفهان بود. این سید جلیل‌القدر از علمای عامل و فضیلتی کامل عصر خویش است، در زهد و ورع و تقوا زبانزد عموم گشت، گلستانه در علوم و فنون مختلف مهارت یافت، و با داشتن تمام فضایل اخلاقی، مدارج علمی و عملی، کیاست و درایت داشت و نسبت به مقام دنیوی بی‌اعتنا بود ولی با اصرار سلاطین صفوی به مقام صدارت رسید و در عین حال، به وظایف دینی خود پرداخته و به تدریس و تألیف و تربیت فضلا اشتغال
- داشت. گلستانه در نهج البلاغه خیلی غوطه‌ور بود و سنوواتی از عمر شریفش به شرح این اخ‌القرآن سپری شد. شرح صغیر را «بهجة الحدایق» و شرح کبیر را «حدائق» نامگذاری کرد. معظم له همچنین نامه‌ها و مواعظ اخلاقی حضرت امام صادق علیه السلام را جمع‌آوری نمود و آن را «منهج الیقین» نام نهاد، و کتابی نیز در مرآئی ائمه اطهار علیهم السلام به نام «روضه الشهداء» به رشته تحریر درآورد. به نوشته محدث قمی، گلستانه از منسوبین نزدیک علامه مجلسی رحمته الله (اخ‌الزوجه) بوده و در سال ۱۱۰۰ یعنی آخر قرن یازدهم در اصفهان وفات نموده است.
۶. وقتی زن میرزا محمد سعید فوت می‌کند، حکیم‌الملک نواده خود (دختر آن یکی دخترش) را به او تزویج می‌کند و در اوقاف خود، تولیت آن را به ذکور اولاد نوه خود می‌سپارد و به همین ترتیب و منوال در ازمنه مختلفه معمول بوده است. علت اختلاف در بین بعضی از اخلاف از این نظر بوده است که میرزا محمد سعید علاوه بر نوه حکیم‌الملک زن دیگری هم داشته که صاحب اولاد هم بوده است و چون بر طبق نص واقف، فقط اولاد ذکور نواده‌اش متولی می‌باشند، طبعا این اختلاف مرتفع می‌گردد. (آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۹۴)



اصلی محسوب می‌شده‌اند و به تدریج محلات فرعی صورت مستقل تری به خود گرفته و از محلات اصلی جدا شده‌اند. از خصوصیات جالب این شهر آن که دارای قنات‌های متعددی است که با این که یک شهر کویری محسوب می‌شود به برکت این قنات‌ها دارای باغات پر درخت و دشتزارهای سبز و خرم می‌باشد. این شهرستان علاوه بر این که زادگاه حکیم‌الملک بوده است، بیشترین موقوفات حکیم‌الملک را هم دارا می‌باشد.

۸. روستای مهرآباد از توابع بخش مرکزی شهرستان اردستان است. یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی موجود در این روستا؛ مسجدی است که از بناهای امیرمحمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی است که با آجر و سنگ و به سبک مساجد زمان صفوی ساخته شده است. معروف است که این مسجد موقوفاتی داشته که به مرور زمان از بین رفته است و گواه صدق این ادعا؛ وجود چند قطعه زمین زراعتی که به نام «قطعه حکیم» معروف است و حکایت می‌کند که جزء موقوفات حکیم‌الملک بوده است و نیز گفته شده که در داخل یکی از ستون‌های مسجد دیگ پولی بوده که چنانچه مسجد خراب شود به وسیله آن پول مجددا ساخته شود.

۹. روستای نیسیان از توابع بخش مرکزی

۷. اردستان از شهرهای شمالی استان اصفهان است که در ۱۱۰ کیلومتری شمال شرقی اصفهان و ۳۴۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران واقع شده است. این شهر مرکز شهرستانی به همین نام است که از شمال محدود است به کویر نمک، از مرکز منتهی به شهرستان گرمسار و از جنوب به برخوار و کوهپایه اصفهان، از مغرب به شهرستان‌های کاشان و نطنز و از مشرق به نایین و انارک. در تقسیمات سابق، این شهرستان، شامل چهار دهستان یا بلوک به نام‌های: علیا، سفلی، برزاوند و ریگستان یا گرمسیر بوده است، ولی در تقسیمات جدید به هفت دهستان تقسیم شده است که عبارتند از: علیا، همبرات، سفلی، کچو، ریگستان، گرمسیر و برزاوند. به علاوه؛ شهرستان شامل دو بخش حومه و زواره و سه شهر: اردستان، زواره و مهاباد می‌باشد. شهرستان اردستان از دیرباز شامل شش محله اصلی به نام‌های: فِهره، کَبودان، رامیان(راهمیان)، باب الرّحی، محال و مُون بوده است که محل اخیر از دو قسمت مون عرب(عامری‌ها) و سادات تشکیل شده است و محلات فرعی کبودان، شامل: بازار، اسپریز و محلات فرعی فِهره، شامل: کوشک، ابالی و محلات فرعی دیگر شامل: ابوچی، پامسجد، کوچه بالا و محله جدید گنبد سبزه که هر یک از متفرعات یکی از محلات شش‌گانه

شهرستان اردستان و پرجمعیت‌ترین روستای شهرستان اردستان محسوب می‌شود. قدمت روستا به درستی مشخص نیست اما ساختمان فعلی مسجد اصلی روستا در سال ۱۱۱۷ هـ. ق بنا شده است. با توجه به نشانه‌های موجود و تاریخ بنای مسجد، شاید بتوان گفت همان مسجدی است که توسط حکیم‌الملک ساخته یا تجدید بنا شده است.

۱۰. ماریین روستایی از توابع شهرستان اردستان می‌باشد. این روستا حداقل روستاهای نیسیان و ظفرقند واقع شده و در دهستان برزاوند قرار دارد.

۱۱. نگارنده کتاب آتشکده اردستان می‌نویسد: حکیم‌الملک در قریه نیسیان و ماریین برزاوند و مهرآباد سفلی مسجد ساخته و موقوفاتی داشته است که از بین رفته‌اند. مسجد نیسیان تاریخ اتمامش ۱۱۱۷ هـ. ق می‌باشد که در آن تاریخ حیات حکیم‌الملک قابل تردید است و باید گفت به وسیله وکلای حکیم‌الملک یا متولیان وقف به اتمام رسیده است و مساجد مهرآباد و ماریین هم تاریخ ندارند و آنچه مسلم است مربوط به همان زمان حکیم‌الملک است (آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۵).

۱۲. محمد مومن بن محمدقاسم شیرازی جزایری در شیراز دیده به جهان

گشود. وی در ایام تحصیل محضر اساتید بزرگی را درک نموده و به غیر از کسب علم در پی چیزی نبود. او صرف و نحو و معانی بیان و بدیع را از سید محمدقاسم حسینی فرا گرفت و در لغت و فقه و اصول به درس زین‌العابدین انصاری حاضر شد و علم کلام و حکمت و تفسیر و علوم ریاضی و منطق را از محضر محقق بزرگ، محمداسماعیل فسوی استفاده نمود و در علم حدیث و حکمت سال‌های متمادی شاگردی علامه اوحد، شاه محمد اصطهباناتی را نمود و علم طب را از طبیب حاذق محمد هادی فرا گرفت. محمد مومن شیرازی ید طولایی در تألیف و تصنیف داشته و قریب به چهل کتاب و رساله از خود به جای گذاشته است که کتاب «خزانه الخیال» از جمله آنهاست. وی در سال ۱۱۳۰ هـ. ق در هند وفات یافت.

۱۳. علامه محمدباقر مجلسی معروف به مجلسی ثانی، در سال ۱۰۳۷ هـ. ق در اصفهان به دنیا آمد. وی فقیه شیعه و ملا باشی ایران در دوران شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفویه بود. او در عمر ۷۳ ساله خویش، بیش از یکصد کتاب به زبان فارسی و عربی نوشت که تنها یک عنوان آن بحارالأنوار است با ۱۱۰ جلد و عنوان دیگر مرآةالعقول با ۲۶ جلد می‌باشد. حدود ۴۰ کتاب نیز به او نسبت داده شده است.

- فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴.
۱۷. حله: به معنی منزل گاه، از شهرهای عراق و مرکز استان بابل است. این شهر در کنار شط الحله از شاخه‌های رود فرات و در ۹۰ کیلومتری جنوب بغداد، بر سر راه بغداد به نجف قرار دارد(دائرةالمعارف فارسی، ج ۱، ص ۱۳۷).
۱۸. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۹۸.
۱۹. این بازار از انشعابات بازار عربان و به میدان هاتف متصل و مدرسه کاسه‌گران در آن واقع است (آثار ملی اصفهان، ص ۳۹۶).
۲۰. بازار عربان؛ بازاری بوده نزدیک مسجد جامع اصفهان و به سبب رفت و آمد عرب‌ها در قرون اولیه به این نام شهرت یافته است و قدیمی‌ترین بازار اصفهان است. بازار ریسمان منشعب از این بازار است و مدرسه کاسه‌گران در آن واقع شده است. بازارهای متعددی این بازار را به بازارهای طوقچی، بازار غاز و میدان میر وصل می‌کرده است. از این بازار کوچه‌ای منشعب می‌شود که به دو مناره و گنبد بخت آغا ملکه آل مظفر می‌رسد. در وسط راه حمام کوچکی منسوب به شیخ بهایی است (آثار ملی اصفهان، ص ۱۰۹).
۲۱. میدان عتیق یا میدان سابق یا میدان کهنه، نام میدانی واقع در مرکز شهر اصفهان است که از یک سو مسجد اولین تألیف علامه را کتاب الأوزان و المقادیر یا میزان المقادیر دانسته‌اند که در سال ۱۰۶۳ تألیف شده است و آخرین تألیف او هم کتاب حق‌الیقین است مربوط به سال ۱۱۰۹ هـ. ق، یعنی یک سال قبل از وفاتش. علامه مجلسی در سال ۱۱۱۰ هـ. ق درگذشت و در اصفهان کنار مسجد جامع واقع در میدان کهنه یا میدان قیام(میدان امام علی کنونی) به خاک سپرده شد. گنبد و بارگاهی بر مقبره ایشان ساخته شده است و مقبره ایشان زیارتگاه دوستداران و مردم عالم‌دوست ایران اسلامی است.
۱۴. شهر اردستان از قدیم دارای شش محله بوده که «مون» یکی از این محلات بوده است. و از دو قسمت مون عرب(عامری‌ها) و مون سادات تشکیل شده است. مون به معنای آتش است و چون در زمان قدیم در این محله هم مانند دیگر محلات اردستان، آتشکده بوده، به این نام خوانده شده است(تاریخ اردستان، ج ۱، صص ۲۳-۲۴).
۱۵. مشخص نشد که این منطقه در کجا واقع شده است!
۱۶. نام شهری در استان مثنی کشور عراق. این استان در جنوب عراق قرار دارد و با کشور عربستان سعودی هم‌مرز است. مرکز این استان شهر سماوت یا سماوه است(دائرةالمعارف

۲۸. استوار، بلند (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه منبع).
۲۹. به کنه چیزی پی بردن (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه کنه).
۳۰. نهایت، پایان (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه آمد).
۳۱. مرد راست و درست (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مسدد).
۳۲. فرزند. (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه سلیل).
۳۳. بزرگی، سربلندی (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مجد).
۳۴. مردانگی، شجاعت (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مردیه).
۳۵. بیماری ها. (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه سقم)
۳۶. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۹۳.
۳۷. پارسا، پرهیزگار (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه ورع).
۳۸. از شعرای معروف و پرآوازه اردستان.
۳۹. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۵.
۴۰. این مطلب مربوط به زمانی است که مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در حال نوشتن کتاب آتشکده اردستان بوده است. ولی طبق شواهد موجود، خانه‌ای به نام خانه «حکیم» در محله فهره اردستان موجود است که طبق گفته اهالی آن محل این خانه همان خانه حکیم الملک اردستانی است که در دست دکتر علاج می‌باشد.
- جامع اصفهان را به بنای هارونیه و از سوی دیگر به مدرسه و کاروانسرای کاسه‌گران و بازار بزرگ اصفهان متصل می‌کند. این میدان جدیداً بازسازی شده و نام میدان امام علی علیه السلام بر آن نهاده شده است.
۲۲. آثار ملی اصفهان، ص ۴۸۲.
۲۳. حکیم الملک از زینب بیگم اردستانی دو دختر داشته که یکی از آنها زوجه میرزا محمد سعید ابن میر محمدحسین نواده برادر حکیم الملک بوده است. یعنی میرزا محمد سعید هم داماد حکیم الملک بوده است و هم نوه برادرش (آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۵۹۴).
۲۴. در متن حاشیه وقفنامه «رازی» نوشته شده است.
۲۵. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۲.
۲۶. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، صص ۱۰۹-۱۱۷.
۲۷. مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب خود «آتشکده اردستان» فقط به برخی ارکان وقفنامه اولادی حکیم الملک اشاره نموده است و در مورد اصل وقفنامه و متن کامل آن مطلبی بیان ننموده است. طبق گفته یکی از محققین و تاریخ پژوهان شهرستان اردستان، اصل وقفنامه اولادی حکیم الملک در دست خاندان‌های سعیدی و خلیلی (نوه‌های دختری سعیدی‌ها) می‌باشد.

آبدهی بهتر می‌کند که منجر به حفر میل چاه دوم می‌شود. این قنات تنها قنات دو طبقه جهان است.

۴۲. اصل آن گرداس است (گرد + آس = سنگ بزرگ)، نام رودخانه‌ای است که از برخی محلات اردستان من جمله فهره هم می‌گذشته و معمولاً تا پایان فصل تابستان آب داشته و به ندرت در ماه شهریور و مهر هم آب داشته است.

۴۳. روستای تَلک آباد بزرگ‌ترین روستای شهرستان اردستان با ۲۰۰۰ نفر جمعیت است. این روستا دارای یک امامزاده به نام امامزاده شاهزاده مراد است.

۴۴. منظور همان «جوب» آب است.

۴۵. نام قریه بوده در محله کبودان که مخروبه است

(<http://ganjinehardestan.blogfa.com>).

۴۶. موغار یکی از روستاهای شهرستان اردستان است که در ۳۰ کیلومتری شهر اردستان واقع شده، این روستا در کناره دشت کویر و میان شهرهای مهاباد و بادرود واقع شده است.

۴۷. روستای کهنک، در میان کوه‌های سر به فلک کشیده مارشنان و دیده بان و در ۱۲۰ کیلومتری شرق استان اصفهان قرار دارد. این روستا از شمال به شهرستان کوهپایه، از جنوب به روستای

۴۱. قناتین جدید و قدیم محله مون: این قنات شامل دو طبقه است که در هر طبقه آن آبی مستقل جریان دارد و جالب این جاست که آب هیچ یک به دیگری نفوذ نمی‌کند. در این محل دو میله چاه در کنار هم قرار دارند که یکی از آنها متعلق به چاه رویین به عمق ۲۷ متر و دیگری متعلق به قنات زیرین به عمق ۳۰ متر است. این قنات ۲ کیلومتر طول دارد و عمق مادر چاه آن ۳۱ متر است و دارای ۳۰ میله می‌باشد و مقدار آبدهی آن ۶۰ لیتر در ثانیه می‌باشد. میله‌های اولیه این قنات در محله «محال» واقع در جنوب شهر اردستان حفر شده و حدوداً به طرف شمال غرب امتداد دارد. مادر چاه قنات چاه دو قلو است که در کنار امامزاده اسماعیل قرار دارد. آنچه از منابع مکتوب مشخص است این است که این قنات پیش از اسلام و به‌خصوص دوران کیانیان و اشکانیان و ساسانیان احداث گردیده و بانی آن را، به دو شکل بیان کرده‌اند: ۱. به قولی بانی آن را کاوه آهنگر که زاده اردستان بوده است دانسته‌اند. ۲. به قولی دیگر بانی آن را مقنی یزدی می‌دانند که طی دو مرحله آن را ساخته است که در مرحله اول پیشنهاد احداث قنات در آن منطقه را به مردم داده و در بار دوم به علت حفر قنات نامناسب توسط مردم، خود اقدام به اصلاح قنات جهت

نیسیان (مرکز دهستان برزاوند)، از شرق به قله دیده‌بان و از غرب به قله مارشان منتهی می‌شود  
<http://kahangeardestan.persian-blog.ir>.

۴۸. اکبرآباد، نام روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان اردستان. این روستا در دهستان همبرات قرار دارد.

### منابع:

۱. آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، انجمن آثار ملی، تهران (۱۳۵۲ش).
۲. اسناد موقوفات اصفهان (۱۲ جلد)، سید صادق حسینی اشکوری، بازخوانی و اجراء: گروه علمی مجمع ذخائر اسلامی قم، زیر نظر: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، مجمع ذخائر اسلامی، قم (۱۳۸۸ش).
۳. اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی، محمدرضا شایسته و منصور قاسمی، نقش خورشید، اصفهان (۱۳۸۳ش).
۴. اصفهان دارالعلم شرق (مدارس دینی اصفهان)، سید مصلح‌الدین مهدوی، تحقیق، تصحیح، اضافات: محمدرضا نیلفروشان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۶ش).
۵. اصفهان و گردشگری، حسن بیک محمدی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۶ش).
۶. اطلس گیتاشناسی استان‌های ایران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران (۱۳۸۳ش).
۷. الاصفهان، میر سید علی جناب، به اهتمام: عباس نصر، گلها، اصفهان (۱۳۷۱ش).
۸. بازار بزرگ اصفهان، سیروس شفقی،

۱۸. جلوه‌های هنر در اصفهان، جلیل دهشگی و علی جانزاده، جانزاده، تهران (۱۳۶۶ش).
۱۹. حقوق مدنی (جلد ۱)، سید حسن امامی، کتاب فروشی اسلامیة، تهران (۱۳۷۷ش).
۲۰. دانشمندان و بزرگان اصفهان (۲ جلد)، سید مصلح‌الدین مهدوی، تحقیق، تصحیح و اضافات: رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان، گلدسته، اصفهان (۱۳۸۴ش).
۲۱. دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، کاظم ملازاده و مریم محمدی، سوره، تهران (۱۳۷۹ش).
۲۲. دائرة المعارف فارسی (۲ جلد)، غلامحسین مصاحب، امیر کبیر، تهران (۱۳۸۷ش).
۲۳. در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، نزهت احمدی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران (۱۳۹۰ش).
۲۴. دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت، ناصر کاتوزیان، میزان، تهران (۱۳۸۱ش).
۲۵. ذکر اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، ترجمه: دکتر نورالله کسایبی، سروش، تهران (۱۳۷۷ش).
۲۶. ره‌آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان شناسی)، محمدحسین ریاحی، سازمان سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان و مرکز اصفهان شناسی خانه ملل، اصفهان (۱۳۸۵ش).
۹. بافت قدیم نصف جهان، فاطمه دهقان نژاد، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۶ش).
۱۰. بحار الانوار (۱۱۰ جلد)، علامه محمد باقر مجلسی، اسلامیة، تهران (۱۳۵۴ش).
۱۱. تاریخ اردستان (۳ جلد)، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، دهخدا، تهران (۱۳۶۷ش).
۱۲. تاریخ اصفهان، حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تعلیق و تصحیح: جمشید مظاهری، مشعل، تهران (۱۳۷۸ش).
۱۳. تاریخ اصفهان و ری، محمدحسن جابری انصاری، عمادزاده، تهران (۱۳۴۶ش).
۱۴. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپنتا، اداره کل اوقاف استان اصفهان، اصفهان (۱۳۴۶ش).
۱۵. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران (۱۳۷۴ش).
۱۶. تذکرة القبور یا بزرگان و دانشمندان اصفهان، سید مصلح‌الدین مهدوی، ثقفی، اصفهان (۱۳۴۸ش).
۱۷. تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح‌الدین مهدوی، کتابفروشی تأیید، اصفهان (۱۳۳۴ش).

۳۴. مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان، اصفهان (۱۳۸۲ش).
۳۵. محیط ادب (مجموعه سی گفتار به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات سید محمد محیط طباطبایی)، محمد محیط یغمایی طباطبایی، حبیب محمد ابراهیم باستانی پاریزی و ایرج افشار، تهران، انتشارات مجله یغما، اسفند (۱۳۵۷ش).
۳۶. معماران ایران (از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار)، زهره بزرگ‌نیا، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران (۱۳۸۳ش).
۳۷. منتخب میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مترجم: حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، قم (۱۳۸۸ش).
۳۸. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، محمدمهدی اصفهانی، تصحیح: منوچهر ستوده، امیرکبیر، تهران (۱۳۶۸ش).
- فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۵ش).
۲۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث، بیروت (۱۳۸۷ق).
۲۸. فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان (۲ جلد)، محمد مهیار، فرهنگ مردم، اصفهان (۱۳۸۲ش).
۲۹. فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی (دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر)، سید محمد بهشتی و مهرداد قیومی بیدهندی، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران (۱۳۸۸ش).
۳۰. کتابشناسی اصفهان، سید مهدی سجادی ناین، سازمان میراث فرهنگی اصفهان، اصفهان (۱۳۷۰ش).
۳۱. گنجینه آثار تاریخی اصفهان (آثار باستانی و الواح و کتیب‌های تاریخی در استان اصفهان)، لطف الله هنرفر، بی تا، اصفهان (۱۳۴۴ش).
۳۲. لغت‌نامه دهخدا (۱۴ جلد)، علی اکبر دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران (۱۳۷۳ش).
۳۳. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، آیت‌الله باقرزاده شیرازی، جلد ۲، میراث فرهنگی استان فارس، شیراز (۱۳۷۸ش).